

راهبردهای قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه

امیرعلی کتابی^۱، احسان جعفری فر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

چکیده:

قدرت هوشمند ترکیب هدفمند و هوشمندانه قدرت سخت (زور و اجبار) و نرم (اقناع و جذابیت) است که بهره‌گیری از آن منجر به ارتقای توانایی‌های یک کشور در سیاست خارجی و کسب منافع ملی با صرف هزینه و زمان کمتر است. این مسئله موجب شده است تا دولت‌ها تلاش کنند تا از ترکیب منابع نرم و سخت خود با توجه به شرایط مختلف به گونه‌های مختلفی استفاده کنند. با در نظر گرفتن تحولات پیرامونی کشور ایران در غرب آسیا و پیوند خوردن منافع ملی ایران با این تحولات این سؤال مطرح می‌شود که چگونه جمهوری اسلامی ایران در تحقق اهداف و منافع خود از قدرت هوشمند استفاده کرده است؟ یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی-تبیینی گردآوری شده نشان می‌دهد که می‌توان بیان داشت که ایران نسبت به تحولات محیط پیرامونی در غرب آسیا از جمله در کشور سوریه منفعل نبوده بلکه در راستای تحقق اهداف خود در جهت دستیابی به نفوذ و مقابله با تهدیدات روزافزون از قدرت هوشمند (قدرت نرم و قدرت سخت) استفاده کرده است به طوری که در بعد سخت حضور جهادی ایران در سوریه حضور نظامی برای حفظ توازن قوا تقویت امنیت سوریه حضور نیروهای محور مقاومت در سوریه و در بعد نرم تأکید بر رویه دموکراتیک برای حل بحران، مخالفت با تجزیه‌طلبی سوریه، جلب حمایت کشورهای دیگر از سوریه بوده است.

واژگان اصلی: قدرت هوشمند، بحران سوریه، قدرت سخت، قدرت نرم، غرب آسیا.

۱. استادیار دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

مسئله دستیابی، حفظ و ارتقای قدرت برای پیشبرد اهداف سیاسی همواره از مهم‌ترین محورهای مطالعاتی سیاست خارجی بوده است. سیر تکامل مفهوم قدرت و تنوع و ترکیب آن موجب شده است تا استفاده روزافزون از وجه نرم قدرت در کنار وجه قدرت سخت در دستیابی به منافع ملی مورد توجه قرار بگیرد. ترکیب قدرت سخت و نرم قدرت که به اصطلاح قدرت هوشمند نامیده می‌شود می‌تواند به سبب پوشش خلأها و مکمل بودن بعد قدرت تأثیر فزاینده‌ای را در کارآمد سازی سیاست خارجی داشته باشد به‌ویژه آنکه به نظر بسیاری هزینه‌های دستیابی و یا مشروعیت بخشی به اقدامات در نزد افکار عمومی نیازمند استفاده عریان از یک وجه قدرت نیست. بدین ترتیب باید به صورت اجمالی گفت که قدرت هوشمند، ترکیب مؤثر قدرت سخت و قدرت نرم است اما به شیوه‌ای عمل‌گرایانه که بتواند از دو منبع سخت و نرم برای پیشبرد منافع متصور کشورها، عبور از چالش‌ها و رسیدن به اهداف با صرف هزینه‌های کمتر استفاده کند.

وقوع بحران سوریه از سال ۲۰۱۱ به منزله تبدیل شدن این کشور به کانون تقابل نیروهای داخلی و خارجی و حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی سوریه و نزدیکی با ایران باعث شده است که این کشور تقریباً در کانون درگیری‌ها قرار بگیرد هدف از انتخاب موضوع قدرت هوشمند و تطبیق آن با اهداف و چالش‌های سیاست خارجی در این پژوهش، حیاتی بودن ارتقای قدرت جمهوری اسلامی به جهت موفقیت در روبرو شدن با مسائل پیچیده سوریه و رفع چالش‌ها و تهدیدات ناشی از تحولات منطقه‌ای است که ابتدا علیه سوریه و سپس علیه محور مقاومت بود و می‌توانست بر منافع ملی تأثیر منفی بگذارد. باید گفت ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹، روابط دوستانه‌ای را با سوریه برقرار کرده است و به طوری که سوریه تبدیل به عمق راهبردی ایران شده است. با توجه به نزدیک بودن دیدگاه دو کشور به نظام و تحولات بین‌المللی قدرت نرم ایران در این کشور با کمترین نوسان قرار داشته است کماکان اینکه روابط دو کشور در ابعاد دیگر نظامی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی نیز رو به رشد بوده است. با این حال با وجود چنین ظرفیت‌هایی در روابط دو کشور هنگامی که ایران با بحران سوریه روبرو می‌شود تمام تلاش خود را در جهت بهبود شرایط و حفظ ثبات و امنیت بکار گرفته است بنابراین میتوان بیان داشت که ایران هم از منابع نرم و هم منابع سخت (قدرت هوشمند) استفاده کرده است.

راهبرد قدرت هوشمند ایران یعنی استفاده از ابزار سخت و نرم توانست در بحران سوریه چنان اتخاذ شود که در برابر تمام نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که به دنبال تسلط بر سوریه از طریق

سقوط بشار اسد به هر طریق سیاسی، نظامی، جنگ نیابتی و اقتصادی بود فائق آید. این پژوهش به منظور واکاوی سیاست خارجی ایران در بحران سوریه این پژوهش تلاش خواهد داشت تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که چگونه جمهوری اسلامی ایران در تحقق اهداف و منافع خود از قدرت هوشمند استفاده کرده است؟ فرضیه مطرح شده این است که ایران با درک تحولات محیط پیرامونی خود در کشورهای عراق، بحرین، سوریه، لبنان در جهت دستیابی به نفوذ و مقابله با تهدیدات از دو مقوله قدرت سخت و نرم استفاده کرده به طوری که بعد نرم آن بر ترویج ارزش‌ها و نرم‌های انقلاب اسلامی و بعد سخت آن بر اقدامات و حمایت‌های نظامی متکی بوده است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و جمع‌آوری مطالب آن نیز به صورت کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهش دو مبحث قدرت هوشمند و سیاست خارجی ایران در بحران سوریه بررسی نگارندگان پژوهش این است که اکثر پژوهش‌ها در طی ده سال اخیر به رقابت‌های بازیگران و تبعات آنها بر یکدیگر یا سایر بازیگران پرداخته اند با این حال با توجه به تشابه محوریت اکثر پژوهش به سه مورد به صورت موردی در ادامه پرداخته خواهد شد:

۱- مقاله احسان جعفری فر و حبیب اله ابوالحسن شیرازی (۱۴۰۰) با عنوان "سیاست روسیه در بحران سوریه از منظر قدرت هوشمند" به دنبال پاسخ به این پرسش بود که راهبردهای عمده سیاست خارجی روسیه در سوریه از منظر قدرت هوشمند چیست؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه مقاله بیانگر آن است که بر اساس ماهیت ترکیبی (قدرت نرم و قدرت سخت) در الگوی قدرت هوشمند، اگرچه ابعاد نرم‌افزارانه قدرت روسیه در حوزه پیرامونی با چالش‌های جدی همراه بوده است، اما نقطه تکیه قدرت هوشمند این کشور مبتنی بر قدرت سخت است.

۲- جانسیز، سجاد بهرامی مقدم و علی ستوده (۱۳۹۳)، در مقاله ای تحت عنوان "رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه"، بیان می‌دارند که موقعیت استراتژیک سوریه از لحاظ پرستیژ در جبهه مقاومت، مسائل امنیت ملی، رقابت در قدرت منطقه ای و توسعه نفوذ در خاورمیانه مورد توجه ایران و عربستان بوده است یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بازی رقابتی دو کشور در بحران سوریه در قالب قاعده حاصل جمع جبری صفر قرار داد.

۳- پوریا خالقی (۱۳۹۹) در پایان نامه خود با عنوان "تأثیر راهبرد مقاومت محور در بحران

سوریه بر امنیت رژیم صهیونیستی (۲۰۱۹-۲۰۱۱)"، در پاسخ به پرسش اینکه چگونه با راهبرد مقاومت محور، امنیت رژیم صهیونیستی با چالش مواجه میشود؟ نتیجه می‌گیرد که کشور سوریه حلقه واسط میان جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت به شمار میرود، هرگونه تغییر رژیم در این کشور به تضعیف راهبرد سیاست خارجی ایران در حمایت از نیروهای مقاومت منجر میگردد. ایران با تأکید بر حل مسالمت‌آمیز این بحران و به‌دوراز هرگونه تنش، برای بازگرداندن آرامش به منطقه و امید به بازگشت امنیت و ثبات در این منطقه دارد و با قدرت همچنان پیگیر این راهبردها میباشد.

۴- اسماعیلی و آشنا در کتاب "درآمدی بر قدرت هوشمند (مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران)" که به شرح تفاوت‌های قدرت سخت و قدرت نرم؛ معرفی قدرت هوشمند؛ بیان جایگاه مدیریت قدرت نرم در سطح جهان؛ و بحثی پیرامون هوشمند سازی قدرت با رویکردی اسلامی ایرانی پرداخته است.

۵- در مقاله خارجی "هوشمندی به عنوان احتیاط: قدرت هوشمند و رئالیسم کلاسیک"^۱ نوشته پر جانسون^۲ (۲۰۱۸) نشان داده شده است که ایده‌های قدرت هوشمند ضمن آنکه با سنت واقع‌گرایانه روابط بین‌الملل از بعد پیروی از سنت احتیاط و هزینه فایده در سیاست پیروی می‌کند ولی بیان می‌کند که اتکای بیش از حد به قدرت سخت به طور فزاینده‌ای خطرات معکوس شدن نتایج را به همراه دارد و در واقع باعث ناتوانی می‌شود. در این راستا، منابع و کاربرد قدرت نرم و مهمتر از آن ایجاد تعادل دقیق منابع مختلف قدرت در اولویت قرار باید بگیرد.

۶- در مقاله "هلال نفوذ: ظهور ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه"^۳ نوشته نیل عادل^۴ (۲۰۲۱) نویسنده به این نتیجه می‌رسد که نفوذ فزاینده ایران در منطقه خاورمیانه در سایه استفاده از قدرت هوشمند بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان میدهد که ایران بدون شک دارای قدرت دیپلماتیک، سیاسی و نظامی در منطقه است که به آن امکان می‌دهد از طریق همکاری یا عملیات مختلف در لبنان، عراق، یمن و سوریه نفوذ کند.

¹ Smartness as prudence: smart power and classical realism

² Per Jansson

³ The crescent of Influence: The rise of Iran as a regional power in the middle east

⁴ Nabil ADEL

۷- مقاله تاثیر دیپلماسی اجبار آمیز ایالات متحده آمریکا بر قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه (۲۰۲۰-۲۰۰۱) نوشته مهدی عباس زاده فتح آبادی و محمد حسام گوری (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که دیپلماسی اجبار ایالات متحده آمریکا، ظرفیت های قدرت جمهوری اسلامی ایران را در قالب قدرت هوشمند در جهت خنثی سازی و کاهش فشارها و تهدیدات، فعال نموده و این کشور را به قدرت منطقه ای به دور از انزوا در خاورمیانه مبدل ساخته است.

۸- کتاب آینده قدرت، نوشته جوزف نای، ترجمه احمد عزیزی (۱۳۹۳) به توضیح انواع قدرت و کاربرد آن در نظام سیاسی می‌پردازد. هدف نویسنده ذکر این نکته است که هیچ‌یک از انواع قدرت به تنهایی برآورده ساز اهداف سیاسی نیست و آنچه حائز اهمیت می‌نماید پیوستن به شیوه‌ای نوین در استفاده از قدرت است. وی این بعد سوم از قدرت را قدرت هوشمند می‌نامد و به آمریکا سفارش می‌کند که استفاده از این قدرت را جلدی بگیرد. در این کتاب می‌توان اهمیت و ضرورت قدرت هوشمند در رفتار قدرت‌ها به‌عنوان الزامی راهبردی در نیل به اهداف سیاسی مطالعه کرد.

۹- قدرت هوشمند و ارتقای جایگاه منطقه ای ایران در غرب آسیا نوشته وحید عذیری و سید روح اله حاج زرگرباشی (۱۴۰۲)، با در نظر گرفتن تحولات پیرامونی کشور ایران در غرب آسیا و پیوند خوردن منافع ملی ایران با این تحولات نقش قدرت هوشمند در بهره‌گیری ایران در تحقق سیاست خارجی خود را مهم دانسته به طوری که با در نظر گرفتن اقدامات سخت و نرم ایران در محیط پیرامونی خود از جمله در کشورهای عراق، بحرین، سوریه، لبنان در جهت دست‌یابی به نفوذ و مقابله با تهدیدات روزافزون از قدرت هوشمند (قدرت نرم و قدرت سخت) استفاده کرده است.

جنبه نوآوری پژوهش حاضر این است که مبحث قدرت هوشمند در بحران سوریه مورد توجه کمتری از سوی پژوهشگران به صورت مجزا قرار گرفته است و با توجه به اهمیت قدرت نرم و سخت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این پژوهش میتواند در رفع خلا مبحث مذکور در سوریه مورد توجه قرار بگیرد. به علاوه مسئله بحث قدرت هوشمند در سوریه از آنجا که بیانگر نفوذ ایران در منطقه است می‌تواند قابلیت کاربردی برای سیاست خارجی ایران را داشته باشد.

چارچوب مفهومی؛ قدرت هوشمند

قدرت به معنای امکان تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور دستیابی به نتیجه مطلوب است. در تحلیل قدرت که ناظر بر توانمندی دولت‌ها است باید گفت منبع قدرت نیز با توجه به شرایط زمانی و مکانی می‌تواند در طول زمان تغییر کند و برداشت‌های متفاوتی از اهمیت هر یک از آن‌ها شود (موسوی فر و دیگران، ۲۵:۱۳۹۰۹). اینکه ظرفیت نهفته در این منابع کشورها در عمل تا چه حد قابل تبدیل به نتایج دلخواه باشد بسته به شرایط و مهارت‌های تبدیل آن‌ها به راهبردهایی منتهی به نتایج است (نای، ۳۲:۱۳۹۳). در کنار ناکارآمدی و ناکافی بودن قدرت سخت و نرم صرف، مجموعه‌های از عوامل نظیر تحولات بین‌المللی، شکل‌گیری رویه‌های جدید، جهانی شدن دست به دست هم دادند تا نوع جدیدی از قدرت تحت عنوان قدرت هوشمند ارائه گردد. از نظر جوزف نای^۱ که قدرت هوشمند با او شناخته می‌شود راهبردها حلقه وصل وسایل به اهداف‌اند و کسانی که قادر به ترکیب موفق منابع قدرت سخت و نرم در شرایطی گوناگون باشند راه به قدرت هوشمند دارند (همان: ۳۳). از این گفته می‌توان به این مطلب رسید که یک رابطه دوسویه و هم‌افزایی بین دو قدرت نرم و سخت است و بدون وجود دارایی‌های قدرت سخت، قدرت نرم (و برعکس) به‌خودی‌خود نیز نتایج مطلوبی نخواهد داشت^۲ (Cevik, 2019:5). بنابراین قدرت هوشمند با تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت قدرت نظامی و دیپلماسی و با تجمیع آنها به وجود آمده است (عابدینی کشکوئیه و همکاران، ۱۹:۱۴۰۱) این قدرت به معنای توسعه عمل‌گرایانه بر اساس منابع و ابزار مناسب برای تحقق اهداف در قرن جدید است که ضمن تولید قدرت نظامی بر همکاری و پیشینه سازی نفوذ و نهادینه کردن مشروعیت نیز کاربرد دارد (عباس زاده فتح آبادی و گوری، ۲۵۳:۱۴۰۱).

از نظر نای، قدرت سخت شامل مجازات یا پاداش (چوب یا هویج) برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران و به دست آوردن نتیجه مطلوب است و می‌تواند شامل قدرت نظامی (تهدید آن)، قدرت اقتصادی (تحریم) یا حتی استفاده از نهادها باشد. از این نظر تا زمانی که یک کشور پاداش می‌گیرد یا مجازات می‌شود (تهدید می‌شود)، این قدرت سخت است که به‌کاربرده می‌شود (Seymour, 2017). رابطه میان دو مؤلفه قدرت هوشمند، قدرت سخت و نرم، پیچیده و تعاملی

¹ Joseph Nye

خواهد بود و این دو مؤلفه جایگزین کامل همدیگر نیستند بلکه اغلب یکدیگر را تقویت می‌کنند. قدرت هوشمند نه یک صفت قدرت، بلکه روشی بهتر برای استفاده از قابلیت‌های قدرت چه نظامی و چه غیرنظامی است و کمک می‌کند تا با طیف گسترده‌ای از ابزارهای موجود - دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی و انتخاب ابزار مناسب یا ترکیبی از ابزارها متناسب با شرایط برای پیشبرد سیاست خارجی اقدام کنیم؛ در این رویکرد دو ابزار جذابیت و تهدید برای ایجاد نتیجه یا رفتار مطلوب در قدرت هوشمند مورداستفاده قرار می‌گیرد. (Hertzberg, 2009; Seymour, 2017).

انواع قدرت				
نوع	ماهیت	ابزار	اهداف	ویژگی
سخت	تهدید و ترس تطمیع و تشویق	عملیات نظامی روابط اقتصادی مذاکرات سیاسی	تغییر رفتار سیاسی تحمیل قوانین حقوقی تعیین رویه خاص	آشکار و سریع پرهزینه و یک‌سویه دفعی و تحکم‌آمیز
نرم	جذابیت و اقناع‌گری عقیده ارزش و ایدئولوژی رفتار	رسانه و ارتباطات فرهنگی دیپلماسی عمومی و تبلیغات	الگوسازی ذهنی استحاله عقیدتی تغییر چشم‌اندازها	تدریجی دوسویه هیجانی، پنهان، کم‌هزینه و ماندگار
هوشمند	جامع‌نگری و هم‌بینی هماهنگ‌سازی و تنظیم‌گر	ابزار سخت و نرم قدرت، رهبران و ساختار هوشمند	شبکه‌سازی ارتباط دهی و انسجام‌بخشی	رابطه محور، محیطی، آینده‌نگر، فرآیندی، خودمولد و ارگانیک

(جلیلی، ۱۳۹۹: ۳۴)

در خصوص اهمیت و ضرورت‌های توجه به قدرت هوشمند ایران در بحران سوریه که موضوع این پژوهش است باید گفت با در نظر گرفتن پیشینه تاریخی و جغرافیایی، ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در نهایت روی کار آمدن نظام سیاسی دینی و انقلابی در ایران شاهد بروز انواع مخاصمات نرم و سخت علیه ایران هستیم. در این راستا گفتمان انقلاب اسلامی ایران توانسته است از سوی دولت‌ها و ملت‌ها مورد توجه قرار بگیرد و چه بسا موجب بروز تضاد و تقابلی از سوی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای از زمان شکل‌گیری انقلاب شود. با فروپاشی شوروی و ناتوانی آمریکا در منطقه پس از حمله نظامی به عراق در ۲۰۰۲ رشد نفوذ و

گفتمان انقلاب اسلامی ایران سرعت گرفت؛ با سقوط صدام و قدرت گرفتن شیعیان در عراق و علویان در سوریه موجب بیم محافظه‌کاران عرب و کشورهای غربی شد و آثار این واگمه را می‌توان در کاربرد مفهوم «هلال شیعی» مشاهده کرد که برای نخستین بار ملک عبدالله پادشاه اردن مطرح کرد (عذیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۰). سقوط نظام سوریه تهدید بسیار بزرگی برای محور مقاومت، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به هم خوردن توازن منطقه‌ای به سود محور عربی-عبری و کاهش قابل توجه قدرت و نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه می‌شد بنابراین حضور فعال در منطقه یکی از ضرورت‌های سیاست خارجی ایران تلقی گردید. در این راستا ایران بر دو قدرت نرم و سخت خود تأکید ورزید تا بتواند در برابر بروز تحولات دومینوار منطقه از منافع متصور خود دفاع نماید. از همین رو قدرت هوشمند یک استراتژی ضروری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تلقی می‌گردد. البته ناگفته نماند ریشه راهبرد قدرت هوشمند به زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی بازمی‌گردد که در دچار فراز و فرودهایی نیز شد اما به نظر می‌رسد که در شرایط نبود جنگ تحمیلی، فروپاشی شوروی و پیشرفت‌های انقلاب اسلامی قدرت هوشمند عامل مهمی در مدیریت و رفع چالش‌های جمهوری اسلامی به‌ویژه در بحران سوریه باشد. در ادامه به بحث بحران سوریه و اهمیت آن برای جمهوری اسلامی پرداخته خواهد شد.

اهمیت بحران سوریه برای ایران

بحران از ریشه یونانی کرینون^۱ به معنی نقطه عطف به‌خصوص در مورد بیماری و همچنین به معنی بروز زمان خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گرفته‌شده است از این رو با توجه به گستره‌ی معنایی آن تعریف واحدی درباره آن وجود ندارد و از این رو با توجه به حوزه علمی مورد نظر، موضوعات بحرانی متفاوتی را پوشش می‌دهد و بازتاب مباحث خاص آن حوزه به شمار می‌رود. در روابط بین‌الملل هم برحسب ویژگی خاص پدیده‌های سیاسی و بین‌المللی، بحران‌ها معطوف به مسائل سیاست بین‌المللی هستند. در این زمینه، دانشمندان حوزه مطالعات بحران‌های بین‌المللی تعاریف متنوعی به دست داده‌اند. واینر^۲ و کان^۳ در یک نگرش برخی تعاریف زیر را از بحران چنین مطرح کرده‌اند:

¹ krinion

² Winer

³ Kann

- بحران، تهدید جدی نسبت به اهداف و مقاصد عوامل درگیر است.
- بحران نتایج مهمی را در پی دارد که عواقب آن آینده روابط طرف‌های درگیر را معین می‌کند.
- بحران شرایط جدیدی است که از کنش و واکنش چندین رویداد ایجاد می‌شود.
- بحران وضعیتی است که عامل زمان علیه عوامل درگیر عمل می‌کند.
- بحران، تحولی اساسی در مناسبات موجود میان شرکت‌کنندگان به وجود می‌آورد. در وضعیت بحران، تنش‌ها بین طرف‌های درگیر افزایش می‌یابد (احرامی، ۱۴۰۰: ۱۵-۱۶).

باید گفت عموماً بحرانها دامنه‌ای فراگیر داشته و لذا حدود و ثغور مشخصی ندارند و ممکن است دربرگیرنده حوادث و اتفاقات داخلی و خارجی ملت‌ها با آثار متفاوتی باشند. از نظر سیاست بین‌الملل بحران به‌طور معمول مربوط به حوادثی می‌گردد که دولت‌ها مستقیماً در آن ذینفع و درگیر می‌باشند. البته ترسیم مرز مشخص میان بحران‌های داخلی و بین‌المللی در شرایط کنونی جهان تا حدودی غیرممکن به نظر می‌رسد؛ چراکه یک بحران داخلی که در یک کشور حادث می‌گردد، می‌تواند عواقب و آثار بسیاری در خارج از مرزهای آن کشور داشته باشد. از طرف دیگر نمی‌توان مرز مشخصی را میان بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، هویتی و قومی در یک کشور ترسیم نمود، چراکه هرکدام از این بحران‌ها اگر موجد بحران دیگری نباشد، حداقل تأثیرگذار است و می‌تواند تبعاتی در خارج از مرزهای آن کشور داشته باشد (واعظی، ۱۳۸۶: ۳۰-۳۱). در بحران سوریه عوامل داخلی و خارجی نقش داشته‌اند در بعد داخلی بستر اعتراض‌های ریشه در مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دارد و در بعد خارجی هر یک از بازیگران در راستای اهداف و منافع خود سعی داشته‌اند از بحران بهره‌برداری کنند؛ بنابراین پیامدهای این دخالت‌ها در مراحل اولیه آغاز اگرچه یک بحران داخلی به نظر می‌رسید ولی به پیدایش و رشد عوامل دیگری در جهت گسترش بحران سوریه در ابعاد گوناگون منطقه ای و بین‌المللی منجر شد که بازیگران متعددی را درگیر ساخت. این جریان‌ها را می‌توان در جدول ذیل مشاهده کرد:

سطح تحلیل و بازیگرا بحران سوریه

سطح		بازیگران	رویکرد به حکومت اسد و حفظ آن
داخلی	دفاع و حمایت		
داخلی	*	حکومت بشار اسد، نیروهای مسلح سوریه، نیروهای دفاع و حمایت از حکومت اسد و حفظ آن دفاع ملی سوریه و علویان	
	*	اخوان المسلمین، ارتش آزاد سوریه، جبهه النصر، جیش الفتح، داعش و کردها	
منطقه ای	*	ایران، عراق و حزب الله لبنان (محور مقاومت)	
	*	مصر، قطر، اردن، جریان چهارده مارس لبنان، عربستان، ترکیه و اسرائیل	
بین المللی	*	روسیه و چین	
	*	آمریکا، انگلیس، فرانسه و برخی قدرتهای اروپایی	

منبع: (نگارنده)

آنچه برای ایران در این بحران بسیار با اهمیت است این است که سوریه عالی ترین سطح روابط یک کشور عربی با ایران را دارد و روابط تهران با هیچ یک از پایتخت های عربی به اندازه روابط تهران و دمشق دارای پشتوانه و اهمیت نیست. سوریه به جز روابط دوجانبه استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران سال های زیادی نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب را هم به عهد داشته است. از سوی دیگر سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک را دارد. به همین دلیل برخلاف سایر نقاط جهان عرب ایران با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع تحولات سوریه را دنبال کرده است (جهانگیری و گروسی، ۱۳۹۷: ۳۶). درباره تحولات سوریه تفاسیر و دیدگاه های مختلف و حتی متعارضی وجود دارد. برخی از تحلیل گران چنین فرایندی را ناشی از گروه های اجتماعی در سوریه می دانند اما عده ای از ناظران بین المللی براین اعتقادند که حوادث سوریه بیش از آنکه منشأ داخلی داشته باشد، دارای منبع خارجی است و مشکلات داخلی سوریه فرصتی برای بهره برداری و رقابت بازیگران منطقه ای و بین المللی ایجاد کرده است. کارشناسان معتقد به دیدگاه و تحلیل دوم، با استناد به دخالت های آمریکا، فرانسه، آلمان، اسرائیل، عربستان سعودی، قطر و ترکیه در بی ثبات سازی سوریه، براین باورند که جوهره اعتراضات در این کشور، متفاوت از جنبش های مردمی

کشورهای منطقه است. بر اساس این دیدگاه مداخله بازیگران خارجی در تحولات داخلی سوریه به‌منزله یاری به مردم نیست بلکه مردم توسط عوامل بیرونی مسلح و مجهز شده‌اند (جعفری فردکاء دادگستر، ۱۴۰۱: ۲۷). بحران سوریه از یک نظر برای ایالات متحده فرصت مهمی بود چراکه تأمین امنیت و منافع رژیم صهیونیستی، تضعیف جبهه مقاومت با محوریت ایران و سوریه، گستره نفوذ و هژمونی خود در منطقه و جهان، تضعیف ایران به‌عنوان نماد اسلام سیاسی در منطقه، تلاش برای پیشبرد صلح اعراب و رژیم صهیونیستی از طریق سقوط بشار اسد و درنهایت مقابله بانفوذ روسیه در خاورمیانه را در پیش می‌گرفت (احمدی یقین، ۱۳۹۹: ۱۴۲). در واقع، به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر و راهبرد آمریکا مبنی بر مبارزه با تروریسم و قرار دادن نام گروه‌های مقاومت اسلامی از جمله حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله، ایران و سوریه به علت حمایت از جریان مذکور عملاً مورد اتهام و تهدید آمریکا قرار گرفتند، ولی طرفین نه‌تنها از حمایت خود از جریان مقاومت اسلامی نکاستند، بلکه به شیوه صریح‌تر در جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی با حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه رژیم صهیونیستی با حماس در غزه و ۵۱ روزه با حزب‌الله از جریان مقاومت اسلامی حمایت بی‌دریغی به عمل آوردند. بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه یکی از دلایل مهم بودن روابط راهبردی ایران و سوریه را حمایت دو کشور مذکور از مقاومت اسلامی می‌داند و می‌گوید که اهمیت این روابط راهبردی شاید در دهه‌های گذشته چندان روشن نبود، اما در سال‌های اخیر، نتایج حقیقی این روابط ظاهر شد، یعنی پیروزی مقاومت اسلامی در لبنان، پایداری مقاومت در فلسطین پس از انتفاضه که در سال ۲۰۰۰ شروع شد، به شکست طرح‌هایی که بر ضد این منطقه از دهه ۸۰ شروع شد و اکنون به‌طور کامل به شکست انجامید. اگر همکاری راهبردی بین ایران و سوریه نبود، اوضاع بد منطقه اکنون بدتر می‌شد (رضازاده و نجفی، ۱۳۹۵: ۱۶۸). باید گفت گفتمان مقاومت، موج احساسات ضدآمریکایی در منطقه غرب آسیا و به‌ویژه در میان گروه‌های وابسته به جبهه مقاومت، افزایش پیدا کرد و با ساخت یک جبهه متحد ضدآمریکایی و موفقیت‌هایی که این جبهه در برابر رژیم صهیونیستی کسب کرد، نظریه سازش با آمریکا و رژیم صهیونیستی را با چالش جدی روبرو کرد و در موارد متعددی مانع اجرای طرح‌های آمریکایی - صهیونیستی نیز در منطقه شد (عرب پور، ۱۳۹۹). به‌طور کلی در نگرش‌های ایدئولوژیک ایران، آمریکا را به‌عنوان شیطان بزرگ، مسئول بسیاری از نابسامانی‌ها در جهان اسلام و نقض حاکمیت ملی و ضدیت با استقلال و منافع آن می‌داند (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۳۵).

درسوی دیگر آغاز شورش در سوریه فرصتی را برای عربستان فراهم آورد تا سیاست کهنه خویش در جهت تضعیف قدرت نفوذ ایران که از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی تعقیب می‌کرد را پیگیری نماید. در واقع هدف استراتژیک عربستان مبنی بر سرنگونی حکومت بشار اسد و تضعیف ایران و حزب‌الله، اساس کار سیاست خارجی عربستان را تشکیل می‌داد. آنچه عربستان سعودی را در قبال بحران سوریه از پیش حساس‌تر می‌کرد تعمیق روابط حسنه و گسترده سوریه با ایران در منطقه است، به‌گونه‌ای که نگرانی این کشور از نزدیکی استراتژیک ایران و سوریه و برقراری توازن قدرت منطقه‌ای با ایران موجب مخالفت جدی عربستان علیه نظام سوریه بود. به باور ریاض سرنگونی اسد ضربه سختی به امکانات ایران و تضعیف قدرت مانور آن در منطقه است. ریاض امیدوار بود که با سقوط احتمالی دولت استخوان‌پساز بر روندهای سیاسی در عراق و لبنان به سود سنی‌های این کشورها نیز تأثیر بیشتری بگذارد و شیعیان متحد ایران در این کشورها را به حاشیه براند (رک. نجات، ۱۳۹۲: ۹۷). بنابراین ایران با در نظر گرفتن این شرایط تلاش کرد تا از سقوط رژیم بشار اسد جلوگیری کند. سوریه برای جمهوری اسلامی دارای اهمیت راهبردی قابل‌انکایی است، از جمله: ۱. سوریه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک‌ترین متحد عربی با جمهوری اسلامی ایران بوده است. ۲. با وجود نظام‌های سیاسی متفاوت ایران و سوریه و همگرایی نسبی نوع حکومت در سوریه و عراق، نظام سوریه در جنگ تحمیلی رژیم بعثی علیه ایران اسلامی با جمهوری اسلامی همراهی کرد. ۳. روابط حسنه سوریه با جمهوری اسلامی ایران در راه‌اندازی و تقویت جبهه‌ی مقاومت، همواره ادامه یافته است. ۴. سوریه بعد از انقلاب اسلامی همواره در ضدیت با رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی همراهی کرده است. ۵. دولت سوریه از متحد جمهوری اسلامی ایران یعنی حزب‌الله لبنان در مقابل رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند. ۶. سوریه با جمهوری اسلامی و مقاومت اسلامی در منطقه، همگرایی و همسویی دارد. ۷. این کشور در انتقال نفت و گاز عراق و ایران به اروپا موقعیت ویژه‌ای دارد. ۸. تحولات سوریه بر نقش‌آفرینی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه تأثیر زیادی دارد. ۹. تداوم بحران در سوریه، تلاشی از سوی غرب و کشورهای عربی برای جلوگیری از گسترش امواج بیداری اسلامی در کشورهای عربی و به چالش کشیدن گفتمان انقلاب اسلامی است (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). در ادامه به بررسی راهبردهای قدرت هوشمند جمهوری اسلامی پرداخته خواهد شد.

راهبردهای قدرت هوشمند ایران در بحران سوریه

در ادامه به دو راهبردهای ایران در بحران سوریه از دو بعد قدرت سخت و نرم پرداخته خواهد شد.

۱- راهبردهای قدرت سخت ایران در سوریه

از نظر نای، قدرت سخت شامل مجازات یا پاداش (چوب یا هویج) برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران و به دست آوردن نتیجه مطلوب است و می‌تواند شامل قدرت نظامی (تهدید آن)، قدرت اقتصادی (تحریم) یا حتی استفاده از نهادها باشد با توجه به ماهیت بحران سوریه قدرت نظامی ارجحیت بیشتری راهبرد ایران علیه معارضان، ایجاد توازن قوا و حفظ بشار اسد داشته است در ادامه به نحوه و اهداف به‌کارگیری قدرت سخت ایران در بحران سوریه پرداخته خواهد شد همان‌طور که قبلاً بیان شد ویژگی‌های قدرت سخت شامل آشکار و سریع بودن، مبارزه، دفعی و تحکم‌آمیز است.

۱-۱ حضور جهادی ایران در سوریه

نگاهی به نیروهای درگیر با دولت سوریه نشان می‌دهد که این نیروها، با هویت اسلامی - شیعی ایران، در تعارض قرار می‌گیرند. در سوریه، تعداد زیادی گروه مسلح معارض دولت وجود دارد که در این میان، پنج گروه بیش از دیگران مطرح بوده‌اند: یکی، ارتش آزاد سوریه که مورد حمایت جریان غربی به‌ویژه ترکیه است؛ دوم، کردها که در پی تکرار تجربه عراق در سوریه هستند و ترکیه دشمن شماره یک آن‌هاست؛ سوم، اخوان المسلمین که قدیمی‌ترین نیروی مخالف حزب بعث سوریه است؛ چهارم، گروه‌های لیبرال که بیش از همه سیاسی هستند و نیروی کمی روی زمین دارند و رهبری آن‌ها را برهان غلیون به عهده داشت؛ و پنجم و مهم‌تر از همه، سلفی‌های تکفیری شامل داعش (دولت اسلامی عراق و شام)، جبهه النصره، احرار الشام و... که این دسته خطرناک‌ترین بازیگران در جنگ داخلی سوریه هستند. ... این گروه‌های معارض عمدتاً دارای رویکرد نظامی هستند و تنها در یک هدف مشترک داشتند و آن سقوط بشار اسد است. برای مقابله با این نوع نیروهای معارض دولت سوریه، به ویژه تکفیری‌های داعش، ارتش سوریه توان و آمادگی لازم را نداشت و بنابراین، نیازمند یاری متحد راهبردی خود، ایران بود و از نظر هویتی، با توجه به وجود تکفیری‌های ضد شیعه، نیروهای نظامی ایران، به‌ویژه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وارد عمل شدند. بنا بر قانون اساسی، سپاه پاسداران، نه تنها حفظ و حراست از مرزها، بلکه بار رسالت مکتبی - یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود که مصداق آیه ۶۰ سوره انفال در قرآن کریم است:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ .

بر طبق این آیه ۶۰ سوره انفال، در برابر دشمنان خدا، باید مسلمانان همه و قوای خود را آماده گردانند و خویش را مجهز نمایند. از آنجا که در مشی ایدئولوژیک هویتی جمهوری اسلامی، تنها اسلام راستین یا به تعبیری «ناب محمدی»، اسلامی است که انقلاب اسلامی معرفی می‌کند، به این جهت دیگر مکاتب اسلامی، حداقل آن‌ها که در برابر این برداشت از اسلام، ایستادگی می‌کنند، همچون وهابی‌ها، تکفیری‌ها و... مسلمان واقعی به شمار نرفته و باید با آنان مقابله کرد (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۲).

۲-۱ حضور نظامی برای حفظ توازن قوا

حضور مستشاری و نظامی ایران باهدف حفظ موازنه منطقه‌ای است امری که یکی از اولویت‌های مهم ایران در رابطه با سوریه از ابتدای انقلاب اسلامی مسئله سیاسی و توازن قدرت منطقه‌ای بوده است. از آغاز بحران سوریه، این کشور به میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شده است. بیشترین فشارهای واردشده از طرف عربستان سعودی، ترکیه و قطر اعمال شده است که چشم به امید سقوط اسد دارند در صورت سقوط اسد، بیشترین هزینه متوجه ایران خواهد بود چراکه مسئله محروم شدن ایران از لبنان و همچنان احتمال بروز خطر در عراق به‌عنوان حوزه جدید نفوذ ایران و از جانب دیگر حضور ترکیه در شمال عراق که سیاست‌هایش چندان با ایران همخوانی و همسویی ندارد تهدیدی علیه ایران محسوب می‌شود. سقوط سوریه، مرزهای غربی عراق را نیز در معرض فشار جدید حکومت سوریه قرار می‌دهد که هم‌پیمانی استراتژیک با ایران را فسخ کرده و به محور عربستان می‌پیوندد. در این صورت بقای اسد برای ایران تنها حمایت از یک هم‌پیمان قدیمی به خاطر حمایتش از تهران در زمان جنگ با عراق نیست، بلکه موضوع حیاتی است جمهوری اسلامی ایران، سوریه را به‌عنوان عمق استراتژیک خود تعریف می‌کند و حفظ وضع موجود در سوریه و یا پایان دادن به بحران آن با تثبیت حکومت اسد، برای ایران اهمیت به‌سزایی دارد. بر اساس این دلایل سیاست خارجی ایران در موضوع بحران اخیر سوریه، سیاست دوستانه و حمایت‌گرانه از حکومت اسد بوده است. در صورت سقوط اسد انزوای ایران در منطقه و خاورمیانه شدیداً قابل پیش‌بینی است. به هر صورت تفوق مخالفین بر حکومت فعلی و دست‌به‌دست شدن قدرت در سوریه مترادف با یک چرخش کامل، از تمایل و رابطه نزدیک با ایران به سمت ترکیه، عربستان سعودی و هم‌پیمانان آن خواهد بود. به تعبیر دیگر، تغییر قدرت در سوریه، معنی افزایش یک-حلقه دیگر به زنجیره رقبای

منطقه‌ای ایران و از دست رفتن یک هم‌پیمان استراتژیک منطقه‌ای قلمداد می‌شود (حاجی یوسفی و نهضت پور، ۱۴۰۰: ۱۲۵-۱۲۴). «تام دانیلون^۱، مشاور امنیت ملی آمریکا، در دسامبر ۲۰۱۱ صریحاً اعلام داشته بود که «پایان رژیم اسد موجب بزرگ‌ترین عقب‌نشینی ایران در منطقه و برهم خوردن توازن قوای راهبردی و تغییر آن در منطقه علیه ایران خواهد بود» (سیمبرو قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۶۶). می‌توان اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران از اتخاذ رویکرد حمایت‌گرایانه و حفظ وضع موجود در سوریه را به شرح زیر دسته‌بندی نمود: ۱. جلوگیری از تضعیف قدرت محور مقاومت. ۲. جلوگیری از کاهش قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود که تأثیر مستقیم با مورد نخست دارد. ۳. جلوگیری از تغییر موازنه‌ی قوا به نفع کشورهای هم‌چون ترکیه، عربستان و اسرائیل. ۴. جلوگیری از نفوذ بیشتر آمریکا. ۵. جلوگیری از تضعیف امنیت نظامی خود با از دست رفتن عمق راهبردی در منطقه شامات (حمید فر، ۱۳۹۸: ۱۲۸).

۳-۱ تقویت امنیت سوریه

در بحران سوریه ایران در استراتژی دفاع-تهاجم، هم‌زمان حالت دفاعی و تهاجمی بکار می‌گیرد، تا اینکه بتواند با حفظ حکومت سوریه، امنیت خود را نیز بیمه کند، به این صورت ایران از اتخاذ دفاع همه‌جانبه و منفعل در برابر هجوم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری غرب خودداری می‌کند، در عوض هم‌زمان با اتخاذ حالت دفاعی و تبدیل کردن سوریه به یک سد دفاعی محکم، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک سوریه، سیاست‌های تهاجمی خود را نیز به صورت غیرمستقیم به کار می‌بندد تا بتواند از هزینه‌ی سنگین دفاعی خود بکاهد. ایران سعی دارد که با اتخاذ این استراتژی، از تبدیل شدن سوریه به عراق، که به راحتی و بدون هیچ‌گونه توان دفاعی مورد هجوم غرب قرار گرفت، جلوگیری کند. نوام چامسکی قبل از وقوع جنگ اخیر عراق در مقایسه میان عراق و کره شمالی می‌گوید: "به نظر می‌رسد به واسطه‌ی بی‌دفاع بودن عراق، تهاجم به این کشور با موفقیت انجام می‌شود، اگر کره‌ی شمالی و عراق را باهم مقایسه کنیم، عراق بی‌دفاع‌ترین و ضعیف‌ترین رژیم منطقه است درحالی‌که یکی از مخوف‌ترین دیکتاتورها در آنجا حکومت می‌کند در مقابل؛ کره‌ی شمالی یک تهدید به حساب می‌آید و به یک دلیل ساده به آن حمله نمی‌شود زیرا کره‌ی شمالی از یک عامل بازدارنده‌ی قوی برخوردار است یعنی توپخانه‌ی عظیمی که سئول را هدف گرفته است. در صورتی‌که آمریکا به این کشور حمله کند، کره‌ی

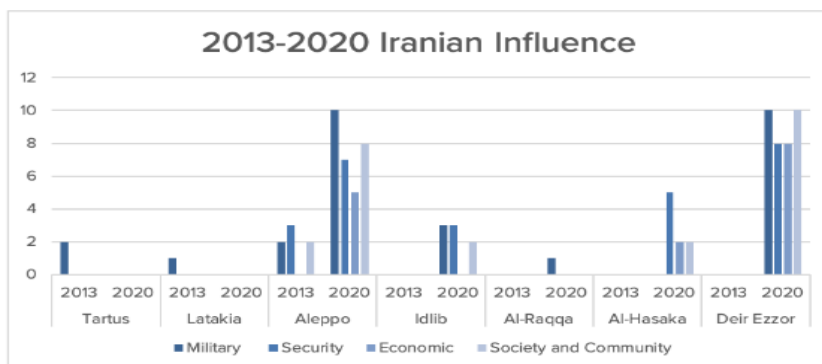
¹ Tom Danilon

شمالی می‌تواند قسمت زیادی از کره جنوبی را نابود کند، به عبارت دیگر آمریکا به کشورهای دنیا می‌گوید: که «اگر بی‌دفاع هستید ما هر زمان که دلمان بخواهد به شما حمله می‌کنیم و اگر سدی دارید ما عقب‌نشینی می‌کنیم» (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۷۱). سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأثیر بسیار مهمی را در آموزش‌های نظامی به نیروهای مردمی طرفدار حکومت سوریه داشتند. سردار سرتیپ حسین سالمی جانشین وقت سپاه پاسداران در برنامه گفتگوی ویژه خبری بیان کرد که حضور ما در سوریه از نظر عملیاتی در چهار سطح صورت می‌گیرد: اول، در سطح راهبردی، از نظام سیاسی و دفاعی سوریه حمایت می‌کنیم و تجربه‌های جنگی مان را به‌عنوان مستشار به فرماندهان عالی ارتش سوریه انتقال می‌دهیم تا آن‌ها تجربه‌های نظامی و دفاعی ما را در صحنه جنگ خود وارد کنند. ما نوسازی و بازسازی ارتش سوریه را دنبال می‌کنیم. این ارتش چهار سال است در حال جنگ است و از نظر سازمان‌دهی، آموزش، ساختار، طراحی و نیروی انسانی به نوسازی و بازسازی نیاز دارد. از سویی دیگر، به بسیج مردمی نیز نیاز دارد که با توجه به تجربه‌هایش در بسیج مردم، این ساختار را در نظام کشور اجرا کردیم. ارتش سوریه در کنار نیروهای نظامی‌اش، دارای نیروی مردمی وسیعی است که بر اساس راهبردهای مستشاری ما بنیان‌گذاری شده است. در سطح عملیاتی نیز به فرماندهان لشگرها و تیپ‌ها مشاوره می‌دهیم؛ یعنی سطوح میانی یک جنگ را مدیریت می‌کنیم این سطح را هم در توزیع آمادها و هم در یافتن طرح‌های لجستیکی برای پشتیبانی یگانه‌ای عملیاتی دنبال می‌کنیم. در سطح آموزش فرماندهان سطوح میانی که بسیار مؤثر است نیز فعالیتیم و این مستشاری سطح عملیاتی است. تعدادی از فرماندهان ما آنجا هستند و به طراحی‌ها، راهبردهای عملیاتی برای غلبه بر دشمن کمک می‌کنند. یک سطح نیز سطح تاکتیکی است که به فیزیک رزم منتهی می‌شود و فرماندهان گردان‌های آن‌ها از مشاوره نیروهای ما بی‌نصیب نیستند. سطح بعدی نیز سطح فنی است که آمادگی تجهیزات را در برمی‌گیرد و حتی سطوح امداد و نجات را هم دنبال می‌کنیم. این سطوح مستشاری به دلیل درخواست‌های رسمی از سوی دولت سوریه انجام می‌شود (خالقی، ۱۳۹۹: ۷۸-۷۷). به این ترتیب ایران سعی کرد که در بعد سخت از قدرت هوشمند در جهت حفظ دولت کنونی سوریه استفاده کند تا بتواند در عین ایجاد یک حفاظ امنیتی بتواند، از محور را حفظ کند.

۱-۴ حضور نیروهای محور مقاومت در سوریه

تا قبل از شروع بحران به تعبیر سید حسن نصرالله نیروهای مسلح سوریه تنها ارتش کلاسیک عربی بود که می‌توانست امنیت اسرائیل را در معرض خطر قرار دهد اما نقش آفرینی سوریه در

معادلات سیاسی لبنان و قرار گرفتن دمشق به عنوان دولت حامی مقاومت اسلامی بر اهمیت استراتژیک سوریه افزود (چهر آزاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۱). در مه ۲۰۱۳ حسن نصرالله سوریه را «ستون فقرات» مقاومت اعلام کرد و با دخالت حزب الله در سوریه بعد از ۲۰۱۳، رابطه میان اعضای محور مقاومت تقویت شد که نشان دهنده همگرایی پایدار از اهداف استراتژیک در منطقه است. حزب الله به عنوان یک نیروی مبارز در درگیری در سوریه با تجربه‌هایی که در طی مبارزه کسب کرده است توانست نشان بدهد که یک نیروی مهم در منطقه است به علاوه تاکتیک‌هایی که در چند سال مبارزات تجربه کرد نیز بر توانایی آن در جنگ‌های بعدی با اسرائیل افزود (Sullivan, 2014:25). بدین ترتیب نه تنها نشان داده شد که سوریه بی دفاع نیست بلکه قدرت محور مقاومت با کسب تجربیات مبارزه نیز زنگ خطری برای معارضان محور مقاومت تلقی می‌شود. در مجموع جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود، حاضر است برای حفظ یک متحد راهبردی همچون سوریه، هزینه‌های بسیار پرداخت نماید و از این رو برای مقابله با داعش در سوریه به این کشور نیروی نظامی فرستاد و تلاش‌های جامعی را جهت مشاوره و کمک مستشاری به ارتش سوریه انجام داد تا حکومت سوریه همچنان بر سر قدرت محفوظ بماند. ضمن اینکه ایران به‌طور مدام در این بحران از سوریه حمایت مالی و لجستیکی کرده و در کنار آن، حزب الله لبنان در کنار حکومت بشار اسد، ایستادگی کرد (کشیشیان سیرکی و سهیلی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷: ۴۸). در کل رژیم سوریه با استفاده از شبه‌نظامیان شیعه خارجی حزب الله لبنان، تیپ‌های الذولفقار و ابو فاضل العباس عراقی، نیروی قدس ایران و بعداً نیروهای ارتش ایران، شیعه افغانستان فاطمیون تیپ و تیپ زینیون پاکستان همگی آن‌ها به استقرار بشار اسد کمک شد. ایران تقریباً در تمام مناطق سوریه با استفاده از ترکیبی از شبه‌نظامیان داخلی و خارجی به دنبال حضور فعال گشت (جعفری فر و شیرازی، ۱۴۰۰: ۷۴-۷۳).. جدول زیر قدرت واقعی نظامی و درگیری ایران و متحدانش در سوریه از لحاظ نظامی، اقتصادی، امنیتی و ارتباطات اجتماعی طی ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۲۰ را نشان می‌دهد:



منبع: (Saban, 2020)

بر طبق داده‌های جدول مهم‌ترین فاکتور نفوذ ایران در مناطق مختلف مثل حلب، دیرالزور و الحسکه بعد نظامی است. در این راستا قدرت سخت ایران تلاش داشته است تا بتواند با حضور آشکار خود توازن قوا را در برابر معارضان و تنها نبودن سوریه را نشان بدهد.

۲- راهبردهای قدرت نرم ایران در سوریه

موضوع قدرت نرم به‌عنوان یک واژه در علم سیاست، به‌ویژه در حوزه منازعات بشری و از زمان قدیم مطرح بوده است. قدرت نرم، در اصطلاح به معنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق اقناع و جذب دیگران به‌گونه‌ای آشکار اما نامحسوس است که برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به‌جای اجبار یا تطمیع بکار گرفته می‌شود و با به‌کارگیری ابزارها و شیوه‌های غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر خواهد گذاشت (ر.ک نای، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۶). نای تعریف‌های مختلفی از قدرت نرم ارائه می‌کند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران
- توانایی تعیین اولویت‌های مشروع و یا دارای اعتبار معنوی
- تغییر شکل قدرت از قدرت آمرانه به قدرت متقاعدکننده
- توانایی تأثیر بر دیگران جهت تبدیل خواسته شما به خواسته آن‌ها (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۷). در ادامه به ابعاد به‌کارگیری قدرت نرم ایران در بحران سوریه پرداخته خواهد شد همان‌طور که قبلاً بیان شد ویژگی قدرت نرم تدریجی و فرایندی، دوسویه، پنهان، کم‌هزینه و ماندگارتر است.

۲-۱ تأکید بر رویه دموکراتیک برای حل بحران

جمهوری اسلامی ایران بر این اعتقاد است که افق راه‌حل سیاسی نظامی سوریه، کاستن از نزاع بین جامعه و دولت این کشور برای ایجاد جبهه‌ی واحد علیه داعش و القاعده است. این موضوع در صورتی امکان‌پذیر است که راه‌حل سیاسی دموکراتیک در این کشور پذیرفته شود و همه گروه‌های سیاسی در این کشور با آن به توافق برسند (سیمبر و همکاران، ۱۹:۱۳۹۶). یازدهمین دور مذاکرات آستانه در نوامبر ۲۰۱۸ برگزار شد. در فوریه‌ی ۲۰۱۹، رؤسای جمهور روسیه، ایران و ترکیه اجلاس سه‌جانبه در ساحل دریای سیاه تشکیل دادند تا درباره آینده‌ی ادلب، پیش‌بینی تغییرات پس از خروج ارتش آمریکا از سوریه و چگونگی تسریع تشکیل کمیته‌ی قانون اساسی صحبت کنند. به‌منظور پیش‌گیری از تهدیدات احتمالی در آینده، ایران به دنبال افزایش نقش و حضور گسترده در نظام سیاسی-امنیتی و فعالیت‌های اقتصادی در سوریه است. برخلاف واقع‌گرایی تهاجمی، هدف ایران هماهنگی برای انجام اصلاحات و حمایت از گروه‌های مردمی سوری در جهت خاتمه دادن به بحران آن کشور و جلوگیری از تهدیدات امنیتی است (کهریزی و احمدیان، ۱۳۹۸: ۱۴۸). از سوی دیگر از سال ۲۰۱۲ تا دسامبر ۲۰۱۷، ایالات متحده روایت درگیری سوریه را از طریق مذاکرات صلح در ژنو در انحصار خود قرارداد که همچنین پایه‌ای برای نقش خود به‌عنوان یک واسطه قدرتمند بود. این امر از طریق انتخاب ذهنی و انتخاب بازیگرانی که می‌توانند یا نمی‌توانند در آن شرکت کنند انجام شد؛ اما با مذاکرات صلح به رهبری ایران و روسیه حضور آمریکا منقطع و در نهایت موجب غصب آن شد. در این مورد ایران و روسیه در موقعیتی قرار گرفت که نقش یک کارگزار قدرتمند در مذاکرات صلح را بر عهده بگیرد. ساچکوف^۱ (در مصاحبه سال ۲۰۱۹) اظهار داشت: "مذاکرات مستمر با ایران و ترکیه بر سر "جانشینی آمریکا" در سوریه نشان می‌دهد که قالب آستانه بهترین مکان برای گفتگو درباره اختلافات داخلی خود و پیشبرد برنامه‌های مربوطه است" (Simons, 2021).

۲-۲ مخالفت با تجزیه‌طلبی سوریه

تجزیه‌ناپذیر بودن امنیت ملی به این معنا است که امنیت در سرتاسر قلمرو تحت حاکمیت حکومت باید تأمین شود با این حال در بحران سوریه نیروهایی درگیر هستند که از اهدافشان

¹ Suchkov

تجزیه‌طلبی است از جمله حزب اتحاد دموکراتیک (حزب الاتحاد الديمقراطي) که به‌اختصار (پ.ی.د) نامیده می‌شود گروهی سیاسی در کردستان کشور سوریه است که در سال ۲۰۰۳ کردهای با گرایش سیاسی چپ آن را ایجاد نموده‌اند. این گروه ارتباط نزدیک و رابطه ایدئولوژیکی با دسته‌ی کارگران کردستان ترکیه دارد و همچنین این حزب به علت داشتن روابط نزدیک با کارگران کردستان ترکیه دارای خط فکری سوسیالیستی می‌باشند. رهبر این گروه صالح مسلم نام دارد. از دیدگاه نظریه‌پردازان، این گروه به دنبال تجزیه‌طلبی است، هدف این گروه حمایت از جمعیت کل در کشور سوریه و گرفتن حقوق خلق کرد و همچنین استقلال این منطقه اعلام نموده است (خالقی، ۱۳۹۹: ۴۶). اصل تجزیه‌ناپذیر - بودن امنیت ملی بر این دلالت دارد که مناطقی از یک واحد سیاسی، دولت ملت درگیر منازعات قومی، یا - تحت سلطه گروه‌های شورشی وقتی قرار گیرد باید امنیت اعتبار و اهمیت خود را از دست ندهد.

موشه یعلون، وزیر دفاع اسرائیل، در طول سفر پنج‌روزه‌ای که به ایالات متحده در ۲۰۱۴ داشت در برنامه Morning Edition گفت که سوریه بر اساس ساختار قومی و مذهبی خود به چندین کشور مانند لبنان امروزی تجزیه خواهد شد، به طوری که یک دولت علوی شیعه در امتداد ساحل آن، یک دولت سنی در منطقه حلب، یک دولت سنی در منطقه حلب و یک سنی دیگر وجود خواهد داشت و این وضعیت ضامن صلح خواهد بود طوری که امنیت در منطقه در درازمدت و این هدف در حال حاضر در دسترس ما است. یعلون روند بالکانیزاسیون «طرح ینون» را که به نام یکی از مقامات سابق وزارت خارجه اسرائیل نام‌گذاری شده است، دنبال می‌کند (Jalife-Rahme, 2014).

تا اردوغان را متقاعد کند تا با ایالات متحده در برنامه‌ریزی عملیاتی باهدف پایان دادن به دولت اسد تعامل داشته باشد. این پترائوس بود که به آنکارا برنامه مخفی تسلیح و آموزش شورشیان سوری را پیشنهاد کرد اما در سال ۲۰۱۳، اردوغان بیان داشت که خود او با ما فقط دخالت محدودی در سوریه دارد و ترجیح می‌دهد "از پشت سر رهبری کند". اردوغان همچنین اعتراض می‌کرد که ایالات متحده، متحد ناتو، با یک گروه تروریستی (کردهای سوریه موسوم به YPG) که حاکمیت و تمامیت ارضی ترکیه را تهدید می‌کند، متحد شده است. در چنین پس‌زمینه‌ای است که دو دیدار در مسکو بین وزرای دفاع و روسای اطلاعات ترکیه و سوریه با حضور هم‌تایان روسی آن‌ها برگزار شد که البته اقدام اردوغان برای عادی‌سازی روابط با اسد موجب ناراحتی آمریکا شد (Newsroom, 2023). بنابراین اگرچه ترکیه از ابتدای بحران در سوریه، حذف رژیم سوریه و تضعیف دولت عراق را در دستور کار خود قرار داده بود اما پس از رایزنی مقامات سیاسی - امنیتی روسیه و ایران با سران این کشور و وقوع تحولات بعدی چون کودتای جولای ۲۰۱۶، علیه رجب طیب اردوغان و مسئله همه‌پرسی استقلال منطقه کردستان عراق، قدرت‌یابی روزافزون کردها در نوار شمالی سوریه و همچنین تضعیف داعش در نهایت ترکیه ناگزیر شد که از سیاست‌های تهاجمی قبلی مبنی بر پیشبرد الگوی منطقه‌ای خود جهت قدرت‌یابی بیشتر از رهگذر رخنه در دولت‌های مرکزی سوریه و عراق عقب‌نشینی نماید. به عبارت دیگر ترکیه، در راهبردش تجدیدنظر کرد و تصدیق کرد که اولویت حذف اسد نباشد؛ بلکه هدف اصلی تقسیم قدرت و حل منازعه سوریه بر اساس راه‌حل سیاسی باشد (درج و مسعود نیا، ۱۳۹۷: ۸۸). این مسئله موفقیت قدرت نرم محسوب می‌شود چراکه در فضای بی‌اعتمادی ترکیه به غرب یکی از دشمنان بشار اسد که به سبب نزدیکی جغرافیایی و امکانات می‌توانست چالش‌های جدی در سوریه ایجاد کند از اولویت حذف بشار اسد به سوی حل منازعه و راه‌حل سیاسی گرایش پیدا کرد. بیانیه مشترک منتشرشده توسط وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، روسیه و ترکیه در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶، ۲۰۱۶ که به بیانیه مسکو شهرت یافت بر حاکمیت، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی جمهوری عربی سوریه تأکید کرد. این بیانیه، هم به لحاظ بازیگران دخیل در آن و هم مفاد، تفاوت‌هایی با سایر بیانیه‌های خروجی از نشست‌های مختلف در خصوص بحران سوریه داشت. عدم ایفای نقش آمریکا از یک سو و حضور ایران و ترکیه از سوی دیگر، این بیانیه را متفاوت می‌ساخت. نکته قابل‌تأمل در این بیانیه البته، آخرین بند آن بود: «ایران، روسیه و ترکیه بر عزم خود برای مبارزه مشترک با داعش و النصره و تفکیک میان آن‌ها و

گروه‌های معارضة مسلح تأکید می‌کنند.» معنای این بند، پذیرش تفکیک گروه‌های مسلح مخالف بشار اسد در سوریه از سوی ایران است. در هر صورت، بیانه مسکو با ظاهری حقوقی، در قالب قطعنامه ۲۳۳۶ در آخرین روزهای سال ۲۰۱۶ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر شد (جعفری فر و خدیمی، ۱۴۰۰: ۴۹). موضع ترکیه و حضور آن از اهمیت زیادی برخوردار است. ترکیه تا پیش از این به حذف اسد از قدرت تأکید داشت و حال خود مشوق گروه‌های تروریستی برای شرکت در اجلاسی است که به قول جبهه فتح‌الشمام به معنای موافقت مستقیم و غیرمستقیم با بقای بشار اسد در قدرت است.

به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که قدرت نرم ایران توانست ویژگی خود که شامل تدریجی و فرایندی بودن به معنای مذاکرات زمان‌بند، دوسویه و چندجانبه بودن ارتباطات با دولت‌ها و مخالفان، کم‌هزینه نسبت به جنگ به سبب برگزاری نشست‌ها و ماندگارتر به سبب کاهش اختلافات و رسیدن به توافق دست یابد.

نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی سوریه باعث شد که با وقوع بحران داخلی این کشور در سال ۲۰۱۱ کشمکش و تقابل‌های قدرت‌ها و بازیگران مختلف شکل بگیرد. نیروهای داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بازیگران اصلی در تحولات سوریه سه گروهی بودند که هر کدام به نحوی در پیدایش و یا در ادامه بحران به وجود آمده در سوریه نقش مهمی بر عهده داشتند. با این حال سه خطر عمده در سوریه وجود داشت: سقوط رژیم و سرنوشت مبهم حکومت پس از بشار اسد، بحران امنیتی ناشی از شورش‌ها و حضور تروریست و احتمال وقوع تجزیه‌طلبی و تسری آن به منطقه، ناتوانی و ابهام راه‌حل در پایان بخشیدن به بحران. با تشدید بحران این سه خطر به‌صورت جدی‌تری ظاهر می‌شد و نه سازمان‌های بین‌المللی و نه نیروهای نظامی سوری قادر به مهار بحران نبودند دلیل این امر را باید در ماهیت بحران سوریه جست که در آن بازیگران متعدد حضور داشتند. در این میان ایران به سبب روابط نزدیکی که با سوریه داشت تلاش می‌کرد تا ابعاد بحران پیچیده‌تر نشده و به‌صورت‌های غیر خشونت‌آمیز حل شود اما از آنجاکه برخی از گروه‌های معارض داخلی و خارجی تغییر حکومت سوریه را در دستور کار قرار داده بودند به دامن زدن خشونت اقدام می‌کردند. برخی از این گروه‌ها به‌ویژه مخالفان خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هدف از براندازی بشار اسد را تضعیف

نفوذ ایران در منطقه و به هم زدن توازن قوا به نفع خود تعقیب می‌کردند. از نظر آن‌ها سقوط بشار اسد مترادف با پایان نفوذ ایران در منطقه بود از همین رو ایران که سوریه را در محور مقاومت دارای نقش بسیار مهم و پل ارتباطی این محور می‌دانست تلاش کرد که از یک‌سو از سقوط بشار اسد ممانعت به عمل آورد و از سوی دیگر راه‌های حل بحران سوریه را پیگیری کند.

از منظر قدرت هوشمند ایران از دو قدرت سخت و نرم برای تأمین اهداف راهبردی خود استفاده کرد. برای این منظور در بعد سخت ایران از طریق این پشتیبانی‌ها در قالب حضور جهادی، اعزام مستشاران نظامی، برقراری توازن قوا و گروه‌های نیابتی برای امنیت سوریه و مبارزه با تروریست‌ها به سوریه یاری رساند. در بعد نرم ایران از حکومت سوریه در برابر مخالفان و آشوبگران پشتیبانی کرد، از هرگونه تجزیه‌طلبی سوریه مخالف به عمل آورد، راه‌های دموکراتیک و گفت‌وگوهای را با میانجیگری از طریق برگزاری نشست‌ها حمایت کرد و توانست با جلب حمایت کشورهای دیگر از سوریه دیگر از جمله روسیه و ترکیه به حمایت از حاکمیت، تمامیت ارضی و مبارزه با معارضان تروریست کمک کند. بنابراین استفاده از قدرت سخت و نرم در بحران سوریه نشان‌دهنده این است که در این بحران ایران توانست با قدرت هوشمند استراتژی‌های خود را در بحران سوریه بکار بگیرد و به مهم‌ترین هدف آنکه حفظ سوریه در محور مقاومت است با موفقیت دست یابد. ویژگی‌های قدرت هوشمند همان‌طور که قبلاً بیان شد رابطه محور، محیطی، آینده‌نگر، فرآیندی، خودمولد و ارگانیک است. می‌توان بیان داشت که ایران از قدرت هوشمند خود با توجه به رابطه محور بودن قدرت هوشمند تلاش داشت تا از منابع رابطه‌ای خود که شامل دولت سوریه، گروه‌های نیابتی، روسیه، ترکیه بهره بگیرد. در خصوص ویژگی فرآیندی باید بیان داشت که ایران توانست در طی مراحل مختلف اولاً در بعد سخت توازن قوا را به نفع بشار اسد در جنگ برقرار سازد، به‌علاوه در بعد نرم با ترغیب روسیه و ترکیه آن‌ها را در حفظ بشار اسد ترغیب سازد و همچنین به‌تدریج گروه‌های مخالف را در مذاکرات صلح دعوت کند. از بعد محیطی بودن نیز ایران با در نظر گرفتن موقعیت استراتژیک روسیه قدرت هوشمند ایران استراتژی خود را چنان طراحی کرد تا از سقوط بشار اسد که در محور مقاومت نقش مهم و پل ارتباطی دارد ممانعت به عمل آورده و آن را حفظ کند. از بعد خودم ولد بودن می‌توان از نظر قدرت سخت حضور مستقیم و غیرمستقیم نظامی و همچنین در بعد نرم تکیه بر سازوکارهای صلح غربی و ابتکار عمل صلح به‌عنوان عامل مهم در نظر گرفته گرفت.

منابع

- احرامی، سجاد (۱۴۰۰)، نقش و جایگاه میانجی‌گری سازمان ملل متحد در بحران‌های بین‌المللی با تأکید بر بحران سوریه و کشور یمن، رساله دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور تهران.
- احمدی یقین، محمدرضا (۱۳۹۹)، تبیین سیاست خارجی روسیه در بحران سوریه، دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۵، ۱۴۹-۱۱۴.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، «ایران و امریکا در عراق: تنوع کنش‌ها»، روابط خارجی، سال ششم، شماره ۴، صص ۱۵۵-۱۲۷.
- افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ دشتی، محمدحسین (۱۳۹۷)، مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، ش (۲)، ۱۴۲-۱۲۱.
- جانسیز، احمد؛ بهرامی مقدم، سجاد، ستوده، علی (۱۳۹۳)، «رویاریبی ایران و عربستان در بحران سوریه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، فصل زمستان، شماره ۱۲.
- جعفری فر، احسان؛ ذکاء دادگستر، هادی (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر حمایت آمریکا از عربستان بر صلح منطقه غرب آسیا، صلح‌پژوهی اسلامی، سال سوم، شماره یازدهم، ۹-۴۴.
- جعفری فر، احسان؛ ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۴۰۰)، سیاست روسیه در بحران سوریه از منظر قدرت هوشمند، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم شماره چهارم، پیاپی ۴۳، ۵۷-۸۵.
- جعفری فر، احسان؛ خدیمی، مسعود (۱۴۰۰)، ارزیابی نقش و عملکرد سازمان ملل متحد در بحران سوریه، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال سوم، شماره نهم، ۳۵-۶۱.
- جلیلی، محمد (۱۳۹۹)، نقش قدرت هوشمند در کارآمدی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- جهانگیری، سعید؛ گروسی، ناصر (۱۳۹۷)، بررسی و مقایسه سیاست خارجی ایران و ترکیه در مورد تحولات سوریه (ابعاد و رویکردها)، راهبرد سیاسی، سال دوم، شماره ۷، ۳۱-۴۷.
- چهر آزاد، سعید؛ طاهری، ابوالقاسم؛ صابورگ، عقیل (۱۳۹۶)، بحران سوریه، غرب و استراتژی موازنه ضعف، راهبرد سیاسی، سال اول، شماره دوم، ۵۹-۸۱.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ نهضت پور، سید میر آقا (۱۴۰۰)، مطالعه‌ی تطبیقی سیاست خارجی عربستان و ایران در بحران سوریه، دانش تفسیر سیاسی، سال سوم، شماره ۷، ۱۳۴-۱۰۸.

حمید فر، حمیدرضا؛ عباسی، مجید؛ کهریزی، فاطمه (۱۳۹۸)، بحران سوریه و تقابل دو راهبرد متفاوت ایران و ترکیه در مدیریت بحران در منطقه غرب آسیا، سیاست و روابط بین‌الملل، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان، ۱۳۷-۱۱۳.

خالقی، پوریا (۱۳۹۹)، تأثیر راهبرد «مقاومت محور» در بحران سوریه بر امنیت رژیم صهیونیستی (۲۰۱۹-۲۰۱۱)، پایان‌نامه ارشد دانشگاه خوارزمی.

درج، حمید؛ مسعود نیا، حسین (۱۳۹۷)، پردازش دلایل دگرذیسی در سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه، سیاست دفاعی سال بیست و ششم، شماره ۴۰۱، پاییز ۱۳۹۷، ۱۰۵-۷۳.

رضازاده، میثم؛ نجفی، سجاد (۱۳۹۵)، جایگاه سوریه در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۵-۲۰۱۱)، سیاست دفاعی، سال ۲۴، شماره ۹۵، ۱۹۰-۱۴۵.

سیمبر، رضا؛ قاسمیان، روح‌الله (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۹، تابستان، ۱۷۸-۱۴۳.

صادقی، سید شمس‌الدین؛ لطفی، کامران (۱۳۹۴)، تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، شماره اول، ۱۴۴-۱۲۳.

عادینی کشکوئی، حسن؛ مسعودنیا، حسین؛ گودرزی، مهناز (۱۴۰۱)، سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران در دوران اوباما و ترامپ (براساس تئوری رئالیسم تهاجمی میرشایمر و رئالیسم تدافعی والتز، سیاست پژوهی ایرانی، سال نهم، شماره ۳۴، ۳۲-۸.

عباس زاده فتح آبادی، مهدی؛ گوری، محمدحسام (۱۴۰۱)، تأثیر دیپلماسی اجبار آمیز ایالات متحده آمریکا بر قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه (۲۰۲۰-۲۰۰۱)، مطالعات قدرت نرم، دوره ۱۲، شماره پیاپی ۳۱، ۲۷۰-۲۴۹.

عذیری، وحید؛ سلیمی، جلال‌الدین، جلالی، رضا (۱۴۰۱)، نقش آمریکا بر ناپایداری صلح منطقه خاورمیانه، دانش تفسیر سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۸۰-۱۵۵.

عذیری، وحید؛ حاج زرگرباشی، سید روح اله (۱۴۰۲)، قدرت هوشمند و ارتقای جایگاه منطقه ای ایران در غرب آسیا، دانش تفسیر سیاسی، سال پنجم، شماره پانزدهم، ۸۸-۵۵.

عرب خدری، ساناز (۱۳۸۷)، ضرورت‌های توسعه‌گردشگری مذهبی در ایران. خیمه، آبان، شماره ۴۶.

فتحی، محمدجواد (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی مدیریت بحران روسیه در سوریه و اوکراین، پایان‌نامه ارشد علوم سیاسی علامه طباطبائی.

کشیشیان سیرکی، گارینه؛ سهیلی نجف‌آبادی، سهیل (۱۳۹۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات خاورمیانه (بیداری اسلامی) با تأکید بر بحران سوریه، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۷، ۵۲-۳۷.

کهریزی، ندا؛ احمدیان، قدرت (۱۳۹۸)، عدم موازنه و الگوهای رفتاری نامتجانس قدرت‌های خاورمیانه در مدیریت بحران سوریه (۲۰۱۹-۲۰۱۱)، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۱ (پیاپی ۵۹)، ۱۵۵-۱۳۲.

مرادی، جهانبخش (۱۳۹۸)، بررسی علل حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه، مطالعات بین‌المللی، سال شانزدهم، شماره ۳، ۲۱-۱.

نای، جوزف (۱۳۹۳)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی، چاپ دوم

نای، جوزف (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم. ترجمه سید احمد فاطمی نژاد. عملیات روانی، سال ششم، شماره ۲۴.

نجات، سید علی، موسوی، سید راضیه و صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵)، راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۳،

۱۷۹-۱۳۷

واعظی، محمود (۱۳۸۶). روش‌های کاربرد میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی، مطالعات بین‌المللی، سال سوم، شماره ۹.

Cevik, S. (2019, JUN 24). Reassessing Turkey's Soft Power: The Rules of Attraction. *alternatives, globale, local, political*, vol. 44(1) pp50-71, 58. Retrieved from <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/0304375419853751>

Grajewski, N. (2021). Retrieved from The Evolution of Russian and Iranian Cooperation in Syria: <https://www.csis.org/analysis/evolution-russian-and-iranian-cooperation-syria>

Hertzberg, H. (2009/JAN/18), 'Smart Power,' *The New Yorker*, SEE 2021/JAN/05, available at http://www.newyorker.com/talk/2009/01/26/090126ta_talk_hertzberg

Jalife-Rahme, A. (2014). Retrieved from From the "Yinon Plan" to the "Ya'alon Strategy": <https://www.voltairenet.org/article186019.html>

- Jansson, P. (2018). Smartness as prudence: smart power and classical realism. *Journal of Political Power*, 11(3), 341-358.
- Nabil, A. D. E. L. (2021). The crescent of Influence: The rise of Iran as a regional power in the middle east. *Espace Géographique et Société Marocaine*, 1(53).
- Newsroom. (2023). Retrieved from The Turkish-Syrian reconciliation process under Russian mediation as a saga of betrayal and vengeance: <https://moderndiplomacy.eu/2023/01/05/the-turkish-syrian-reconciliation-process-under-russian-mediation-as-a-saga-of-betrayal-and-vengeance/>
- Saban, N. (2020, NOV 05). Retrieved from Factbox: Iranian influence and presence in Syria: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/factbox-iranian-influence-and-presence-in-syria/>
- Seymour, M. (2017/dec/15), THE BASICS: POWER, available at: <https://inkstickmedia.com/the-basics-power/>
- Simons, G. (2021, APRIL 02). Retrieved from HARD AND SOFT POWER APPROACHES TO ARMED CONFLICTS: THE UNITED STATES IN IRAQ AND RUSSIA IN SYRIA: <https://eng.globalaffairs.ru/articles/hard-and-soft-power-iraq-syria/>
- Sullivan, M. (2014). hezbollah in syria. Institute for the Study of War . <https://www.understandingwar.org/report/hezbollah-syria>